info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۴۳۲
شنبه / ۱۸ آذر / ۱۴۰۲
۲۵ / جمادی الاولی / ۱۴۴۵
09 / December / 2023

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

گر چه صد رود است در چشمم مُدام
زنده رودِ باغِ کاران یاد باد
رازِ حـافظ بعـد از ایـن ناگفته ماند
ای دریـغا رازداران یاد باد

خوانده

ما ازین هستی ده روزه به جان آمده‌ایم
وای بـر خضر که زندانی عمر ابدست
صائب تبریزی

اذان و اقامه — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۵	۰۷:۰۴	۱۱:۵۸	۱۶:۵۲	۱۷:۱۲

برگه

ذهن شما بسیار قدرتمند است، وقتی آن را با افکار مثبت پر کنید، زندگی شما شروع به تغییر خواهد کرد...
ماهاتما گاندی

نکته

وزن پول در ترازوی زاد و ولد

اگر از موارد استثنا چشم بپوشیم، اغلب کشورهای جهان در سال‌های اخیر با کاهش جمعیت مواجه بوده و تبعات ناشی از آن را با بسیار نزدیک به خود دیده‌اند. با این تبعات را با همه وجود حس کرده‌اند. جمعیت جهان با سرعت در حال پیرشدن است و نوزادان بسیار کمتر از دهه‌های قبل به این دنیا پا می‌گذارند. بنابراین بحران جمعیت گریبان کشورهای زیادی را گرفته و دولتمردان بی‌شماری را به یافتن پلیخ این پرسش واداشته که چگونه می‌توان مردم را به زاد و ولد متقاعد کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، البته این سؤال را کشورهایی که سال‌هاست از انواع مشوق‌ها برای جذاب کردن فرزندآوری میان مردمان‌شان بهره گرفته‌اند نیز می‌پرسند. به همین علت است که اکنون حتی کارایی مشوق‌های مالی و بهره‌مندی‌های رفاهی در افزایش زاد و ولد نیز در جهان زیرسؤال رفته‌است.

این موضوع به این دلیل حائز اهمیت است که کشور ما نیز از یکسو با کاهش فرزندآوری و بحران پیری جمعیت روبه‌روست و از سوی دیگر سعی دارد با استفاده از برخی مشوق‌های مالی و رفاهی، دل زوج‌ها را برای تولد فرزند با فرزندان بیشتر نرم کند. البته مشوق‌های رفاهی در جامعه ما بسیار اندک و کم جان است. البته کشورهایی که درست در نقطه مقابل ما عمل کرده‌اند نیز نتیجه مطلوبی به دست نیاورده‌اند. آنچه در پی خواهد آمد بخشی از پژوهش ایرنا در این باب است که درباره آنچه در جهان در جریان است نگاهی کلی به خواننده می‌دهد.

کشورهایی که پول دادند و موفق نبودند

اتریش مرخصی زایمان مادران را به نو سال و نیم افزایش داده. آلمان نیز سرمایه‌گذاری‌های خوبی در سرویس‌های نگهداری و آموزش روزهنگام کودکان انجام داده به طوری که از سال ۲۰۱۳ هر کودک بالای یکسال می‌تواند در مهدکودک‌های دولتی و به صورت کاملا رایگان حضور داشته باشد.

این دو کشور در واقع با روش‌های غیرمستقیم از فرزندآوری حمایت کرده‌اند اما کشورهایی نیز هستند که به زوج‌ها پول نقدی می‌دهند تا صاحب فرزند شوند. مثلا روسیه به خانواده‌هایی که بیش از نو کودک داشته باشند حدود ۷۰۰۰ دلار می‌پردازد، ایتالیا و یونان هم «پاداش نوزادی» به والدین می‌دهند، مجارستان هم از سال ۲۰۱۹ پرداخت وام ۳۰ هزار دلاری به زوج‌های جوان را آغاز کرد که اگر تعداد فرزندان به سه برسد این وام بخشیده می‌شود.

تایوان نیز با هدف ترغیب شهروندانش به داشتن فرزندان بیشتر تا به حال بیش از سه میلیارد دلار هزینه کرده و از سال ۲۰۰۹ تاکنون طرح‌های تشویقی جدیدی از جمله شش ماه مرخصی با حقوق را برای والدین (هم مادر و هم پدر) در نظر گرفته است. دولت تایوان حتی کمک‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی نیز برای والدین معرفی کرده، ولی نتیجه دندان‌گیری به دست نیاورده است. دروقع این کشورها و سایر کشورهایی مانند آنها که از پول برای افزایش جمعیت بهره گرفته‌اند، اکنون در بحران پیری جمعیت و کاهش شدید زاد و ولدها دست و پا می‌زنند. به طور مثال آمریکا در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲ کاهش ۲۳ درصدی زادوولد را تجربه کرد و اکنون هر بلوی آمریکایی به طور متوسط صاحب ۱.۶ فرزند می‌شود که بسیار پایین‌تر از نرخ جایگزینی یعنی ۲.۱ کودک به ازای هر زن است.

در ایتالیا که عملا کشوری پیر و سالخورده محسوب می‌شود به ازای هر هفت نوزادی که متولد می‌شود ۱۲ نفر می‌میرند و در کره جنوبی نیز که به‌شدت با کاهش فرزندآوری دست به گریبان است اکنون به ازای هر زن فقط ۰.۸۱ کودک متولد می‌شود.

قانون‌گذاران و مسئولان این کشورها به‌شدت نگرانند، زیرا کمبود نیروی کار جوان را بسیار به خود نزدیک می‌بینند و روزی را پیش‌بینی می‌کنند که تعداد افراد بیمه‌پرداز در سیستم تامین اجتماعی بسیار کمتر از افرادی شود که از این سیستم مقرری ماهانه دریافت می‌کنند.

مردم باید متقاعد شوند

جیکابین، پژوهشگر خلوده در دانشگاه تورکو فنلاند یک جمله قابل تامل در حوزه فرزندآوری دارد. او می‌گوید: «نگرانی از آینده می‌تواند یکی از عوامل کاهش نرخ زاد و ولد باشد. زیرا جوانان در جهانی زندگی می‌کنند که با بحران‌های مختلف از جنگ گرفته تا تغییرات آب و هوایی و زوال هنجارهای دموکراتیک روبه‌روست».

این چالش‌ها به احتمال زیاد، ذهن برخی از مردم ما را نیز درگیر کرده و آنها را به توقف فرزندآوری یا تک‌فرزندی وادداشته است اما نسخه‌ای که در فنلاند یا در غرب مورد پذیرش واقع می‌شود لزوما در جامعه‌ای مانند ما قدرت مطلق ندارد. این همان نکته‌ای است که در پژوهش شورای‌عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «بررسی چگونگی تاثیر سبک زندگی بر وضعیت جمعیتی کشور» مورد تاکید قرار گرفته است.

از دید این پژوهشگران، راهکارهای اجرایی افزایش جمعیت باید تلفیقی از این موارد باشد: پشتیبانی و حمایت از ترویج ازدواج موفق و آسان، فرزندآوری و تربیت فرزندان صالح، ارزش دانستن ازدواج و فرزندآوری از طریق تمهید سازوکارهای قانونی و اعطای تسهیلات و کمک‌ها، جتر فراگیر بیمه‌های درمانی تکمیلی، آموزش و مشاوره مستمر و مسئولانه نوجوانان و جوانان و جدی گرفتن مشاوره‌های خانواده قبل، حین و نست کم پنج‌سال پس از ازدواج توسط همه دستگاه‌های ذی‌ربط.

گزارش روز

شرکای جرم اسرائیل در غزه

در فاجعه انسانی که در غزه در حال بروز است علاوه بر مسئولیت مستقیم رژیم اسرائیل و مسئولیت کیفری بین‌المللی فرماندهان و سربازان آن رژیم، گروهی از کشورها به انحای مختلف در کمک به این رژیم مشارکت دارند که باید به عنوان «دولت‌های» همدست در ارتکاب این جنایات مسئولیت داشته و باید پاسخگوی اقدامات خود باشند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جماران، طبق گزارش موسسه صلح بین‌الملل استکهلم معروف به سیپری ۷۹٪ تسلیحات مرگبار اسرائیل توسط آمریکا و حدود ۲۰٪ این تسلیحات توسط آلمان فراهم می‌شود. طبق گزارش اخیر نیویرک سازمان ملل متحد تاکنون بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از غیر نظامیان در غزه کشته شده‌اند که ۴۰٪ از این جمعیت کودکان بوده‌اند. مجموعه‌ای از جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در پیش چشم جهانیان توسط رژیم اسرائیل در غزه در حال ارتکاب است. جامعه بین‌المللی با فجایعی دهشتناک در غزه روبه‌رو است که طبق حقوق بین‌الملل علاوه بر رژیم اسرائیل، «دولت‌های همدست» آن نیز در قبال این جنایات باید پاسخگو باشند.

طبق ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو دولت‌های عضو نه تنها وظیفه دارند که به مفاد این کنوانسیون‌ها احترام بگذارند، بلکه موظفند که از احترام به این مقررات نیز اطمینان حاصل کنند (respect and ensure respect).

در مورد مفهوم «حصول اطمینان» از رعایت کنوانسیون‌های ژنو تفاسیر و اختلاف نظراتی در بین حقوقدانان وجود دارد ولی با هر رویکردی که نسبت به این مفهوم داشته باشیم نمی‌توان منکر شد که در زمانی که این اقدامات یک دولت طرف مخاصمه مسلحانه آشکارا موجب نقض شدید حقوق بشردوستانه و کنوانسیون‌های ژنو است کمک تسلیحاتی و سایر کمک‌های مستقیم به طرف ناقض همدستی در ارتکاب این جنایات محسوب شده و موجب مسئولیت دولت کمک کننده است. تدارک سلاح توسط آمریکا و آلمان به رژیم اسرائیل موجب همدستی آنان complicity در ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است که علاوه بر مسئولیت دولتی موجب مسئولیت فردی و کیفری نظامیانی است که به هر نحوی اجرای کمک‌رسانی به اسرائیل را عملیاتی می‌کنند. علاوه بر آن طبق مقررات عرفی حقوق بین الملل که در طرح سازمان ملل متحد نیز به نگارش درآمده هر کشوری که به ارتکاب یک عمل متخلفانه بین المللی کمک می‌کند در قبال آن عمل خلاف و نقض حقوق بین المللی مسئول خواهد بود. همدستی در ارتکاب جنایات جنگی با جنایات علیه بشریت شامل طیفی از اعمال از جمله تدارک و تسلیح جنایتکاران بلکه تدارکات و حتی مشورتهای نظامی است که ارتکاب این جنایات را تسهیل می‌نماید.

رویه بین المللی و قضایی نیز موید این نظر است. از جمله این موارد گزارشات متعدد بین المللی از جمله گزارش سال ۲۰۱۰ کمیسر عالی حقوق بشر در مورد وضعیت جنگ داخلی کنگو و جنایات ارتکابی در آن کشور در سال ۱۹۹۴ است. در این گزارش مسئولیت دولت‌های مختلف در کمک مستقیم و غیر مستقیم به جنایات ارتکابی از نظر حقوقی به خوبی بیان شده است. علاوه بر این، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در قضیه نقش سازمان ملل در جنایات کنگو و آرای دیوان بین المللی کیفری به ویژه در قضیه کنوسیون ژنو و بدنیز موید مسئولیت دولت‌ها و سازمانهای بین المللی در اعمال متخلفانه بین‌المللی است.

مسئولیت «دولت‌های همدست» در حقوق بین‌طرفی طبق کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ و مقررات عرفی حقوق بین المللی نیز قابل بررسی است. هنگام بروز تخاصم مسلحانه بین دو یا چند دولت سایر دولتهایی که در مخاصمه مشارکت مستقیم ندارند در وضعیت حقوقی دول بی‌طرف قرار می‌گیرند. اما چنانچه دولتی به منظور کمک به غلبه طرفهای مخاصمه به یکی از آن‌ها کمک می‌کند، به ویژه اگر این کمک تسلیحاتی باشد، از نظر حقوقی از وضعیت بی‌طرفی خارج خواهند شد. چنانچه تسلیحات ارسالی در ارتکاب جنایات جنگی بکار گرفته شده و وضعیت به گونه‌ای است که طرف کمک کننده از استفاده این تسلیحات در ارتکاب جنایات جنگی مطلع گردد و اقدامات خود را متوقف نکنند طبعا در قبال این جنایات مسئولیت دولتی و بین المللی خواهد داشت و طبق حقوق بین المللی در قبال این عمل به عنوان «دولت همدست» باید پاسخگو گردند.

موضوع مسئولیت «دولت‌های همدست» در حقوق بین المللی دارای مباحث وسیع و عمیقی است. در این یادداشت صرفا به برخی از نکات اشاره شده است. ولی بعنوان نکته پایانی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در فاجعه انسانی که در غزه در حال بروز است علاوه بر مسئولیت مستقیم رژیم اسرائیل و مسئولیت کیفری بین المللی فرماندهان و سربازان آن رژیم، گروهی از کشورها به انحای مختلف در کمک به این رژیم مشارکت دارند که باید به عنوان «دولت‌های» همدست در ارتکاب این جنایات مسئولیت داشته و باید پاسخگوی اقدامات خود باشند.

چنانچه بیان شد این اقدامات نه تنها باعث مسئولیت بین المللی این دولت‌ها است بلکه سربازان و سایر افرادی که در این همدستی مشارکت دارند از نظر کیفری مسئول هستند و باید پاسخگوی همدستی خود در ارتکاب جنایات بین‌المللی باشند.

در رأس این کشورها دولت‌های آمریکا و آلمان قرار دارند، زیرا با علم به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توسط رژیم اسرائیل در غزه به کمک‌های تسلیحاتی و نظامی خود به این رژیم، نقش مهمی ایفا می‌نمایند.

محسن پهلوند
سفیر پیشین ایران در انگلیس

برش

چرا صهیونیست‌ها روی ترور رهبران حماس متمرکز شده‌اند؟

رهبران حماس و به ویژه یحیی السنوار از نظر راهبردی و رویکردی برای صهیونیست‌ها همواره یک تهدید شناخته می‌شوند. زیرا خود سنوار استراتژی اصلی جنگی خود و حماس را مبتنی بر عملیات در عمق سرزمین‌های اشغالی می‌داند و به همین علت است که صهیونیست‌ها بر روی وی تمرکز خاصی انجام داده اند. زیرا اذعان کرده اند در صورت عدم حذف وی باید در آینده منتظر اقدامات جدیدتری از سوی حماس بود.

به گزارش پیام آشنا، کلال کرامت و بصیرت در اینانوشت؛
یکی از بحث‌هایی که مقامات صهیونیست به صورت علنی عنوان کرده اند، ترور رهبران حماس است که نتانیاهو نیز به آن اذعان کرد. در این رابطه ذکر نکاتی قابل تامل است:

۱. در کتاب "برخیز و تو اول بکش" که به تاریخ ترورهای اسرائیل اشاره دارد، اصلی در میان صهیونیست‌ها وجود دارد که برگرفته از تلمود است و آن این است که اگر کسی برای کشتن شما آمده، برخیز و اول تو او را بکش. براساس این اصل صهیونیست‌ها معتقدند که فبل از وقوع تهدید باید عامل تهدید را زبیس برد. در عملیات طوفان الاقصی این اصل زیر سوال رفت و اکنون صهیونیست‌ها معتقدند که در جهت جلوگیری از اقدامات مشابه عملیات طوفان الاقصی باید رهبران و محربان این عملیات را ترور کرد که در این میان تمرکز بر روی یحیی السنوار است.

۲. اصل دیگری که صهیونیست‌ها به آن اعتقاد دارند این است که باید بین رندنه و راس در یک سازمان جدایی ایجاد کرد و در این اصل جدا کردن راس از بدنه مهمتر است. زیرا در صورت جدایی راس، بدنه به هرسمتی حرکت خواهد کرد و با این اقدام یک نوع بی برنامگی و عدم راهبرد برای آن سازمان با جنبش ایجاد خواهد شد. این راهبرد را نوسال پیش در رابطه با ترور فرماندهان جهاد اسلامی اجرا کردند.

۳. در رابطه با حماس اکنون یک درهم پیوستگی بین رهبران خارج از فلسطین و داخل فلسطین وجود دارد و به همین دلیل است که صهیونیست‌ها روبکرد خود را بر ترور فرماندهان حماس در داخل و خارج از فلسطین قرار داده‌اند.

۴. رهبران حماس و به ویژه یحیی السنوار از نظر راهبردی و رویکردی برای صهیونیست‌ها همواره یک تهدید شناخته می‌شوند. زیرا خود سنوار استراتژی اصلی جنگی خود و حماس را مبتنی بر عملیات در عمق سرزمین‌های اشغالی می‌داند و به همین علت است که صهیونیست‌ها بر روی وی تمرکز خاصی انجام داده اند. زیرا اذعان کرده اند در صورت عدم حذف وی باید در آینده منتظر اقدامات جدیدتری از سوی حماس بود.

اشاره

«آمریکازدایی»؛ دکترین ایرانی

جهان این روزها باید با نظریه جدیدی در مقابل Americanization (آمریکایی‌سازی) روبه‌رو شود. دکترینی که بتواند نقطه آغازی برای دیگر پژوهش‌های مطالعات فرهنگی باشد و از افول و فروپاشی آمریکا چه در نظام بین‌الملل و چه در افکار عمومی صحبت کند. عبارتی که آن را به شایستگی می‌توان De_Americanization یا «آمریکایی‌زدایی» نامید.

به گزارش پیام آشنا ملک شیخی در یادداشتی در روزنامه وطن امروز نوشت: آمریکایی‌سازی (به انگلیسی: Americanization)، یکی از موضوعات پرتکرار مطالعات فرهنگی است که به معنای تأثیری است که آمریکا بر جنبه‌های گوناگون فرهنگ دیگر کشورها همچون فرهنگ عامه، رسانه، فناوری، روابط تجاری و کنش‌های سیاسی آنها دارد.

ابداع این عبارت سال ۱۹۰۷ انجام شد با وجود آنکه این عبارت به خودی خود معنای خصومت‌آمیزی در بر ندارد اما در برخی کشورها از آن برای نقد گرایش به فرهنگ آمریکایی در میان مردم آن کشور بهره می‌برند. «آمریکایی شدن» خود رایجتر بین از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ و بویژه در دهه نخست قرن ۲۱ با ظهور اینترنت پررسرعت نمایان کرد؛ درست در روزگاری که از نظم هژمونیک صحبت می‌شد.

آنتونیو گرامشی جامعه‌شناس سرشناس، «هژمونی» را فرآیندی دانست که از طریق آن طبقات مسلط به دلیل دسترسی به نهادهای اجتماعی همچون رسانه، ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کنند که سبب تحکیم کنترل آنها بر سیاست و اقتصاد می‌شد. این ارزش‌ها در مجموع، ایدئولوژی مسلط جامعه را شکل می‌داد که بر توزیع قدرت موجود جامعه مشروعیت می‌بخشید. نظریاتی که به دهه‌ها بر زینکی، ژئوستراتژیست آمریکایی و مشاور امنیت ملی کارتر در کتابی تحت عنوان «انتخاب سلطه یا رهبری» آن را ترویج می‌داد. اما سال ۱۹۹۹، ساموئل هانتینگتون، تحلیلگر سیاسی، هشدار داد برای بسیاری از نقاط جهان، ایالات متحده در حال تبدیل شدن به یک ابرقدرت سرکش است که «بزرگترین تهدید خارجی برای جوامع آنها» تلقی می‌شود.

با شروع قرن بیست‌ویکم، این گزاره در بین ناظران و تحلیلگران قوت گرفت که دوران گذار در نظام بین‌الملل شروع شده است و اگرچه عصر جدید هنوز صورت‌بندی مفهومی روشنی ندارد ولی آن چیزی که مشهود است این واقعیت عینی است که موقعیت هژمونیک آمریکا تضعیف شده است طی جنگ نوم جهانی اقتصاد اروپا موتور محرک اقتصاد جهان و مرکز اصلی تولید ثروت جهان بود، فرو باشید و ایالات متحده آمریکا به یک «قدرت بلامنازع جهانی» معرفی شد.

حالا اما با وجود اینکه هنوز توازنی به معنی واقعی در برابر هژمونی آمریکا شکل نگرفته، بسیاری از تحلیلگران از دوران گذار در نظام بین‌الملل یاد می‌کنند که وجه مشخصه این دوران تضعیف قدرت هژمونی آمریکاست که نبود قدرت کافی در برابر آمریکا در حال حاضر نشان می‌دهد عملکرد نامناسب آمریکا در جایگاه قدرت هژمون به تضعیف جایگاه آن آسیب رسانده و این امر در کنار تلاش قدرتهای دیگر می‌تواند در تسریع روند افول هژمونی آمریکا تاثیرگذار باشد.

با روند رو به رشد این نگرانی‌ها در دولت آمریکا، رابرت جروبس، رئیس انجمن علوم سیاسی آمریکا هشدار داد: «از نظر بسیاری از کشورهای جهان، در وقایع، نخستین دولت سرکش ضرور ایالات متحده است». هانتینگتون و جروبس هر دو هشدار دادند چنین مسیری عقلانیه نیست و عواقب آن برای ایالات متحده می‌تواند مضر باشد. ژوئیمان گرلسمن، نویسنده یکی از مجلات رادیکال به نام «کلنتر پلیتیو» نیز نیستی با عنوان «مداخلات نظامی ایالات متحده از اطراف تا قفقاز» در طول یک قرن» را منتشر کرد.

این نیست در اسناد کنگره و نیز در بخش تحقیقات کتابخانه کنگره ثبت شده است. این فهرست ۱۳۴ مداخله منطقه‌ای و جهانی طی ۱۱۱ سال در فاصله ۱۸۸۰ تا ۲۰۰۱ را شامل می‌شود. لذا هر قدر بر وسعت و دامنه قدرت آمریکا در طول این سال‌ها افزوده شده، شدت مداخلات آمریکا در جهان نیز افزایش یافته که این امر با هدف حفظ و توسعه منافع «تنها ابرقدرت جهان» انجام شده بود. اما گویا جهان این روزها باید با نظریه جدیدی در مقابل Americanization نیز روبه‌رو شود. دکترینی که بتواند نقطه آغازی برای دیگر پژوهش‌های مطالعات فرهنگی باشد و از افول و فروپاشی آمریکا چه در نظام بین‌الملل و چه در افکار عمومی صحبت کند. عبارتی که آن را به شایستگی می‌توان De_Americanization یا «آمریکایی‌زدایی» نامید.

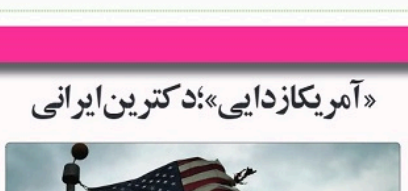

این عبارت ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ از ایران به جهان مخابره شد، به طوری که فردای آن روز، سنجی، فرانزمن سرنبیر، خبرنگار و تحلیلگر ارشد خاورمیانه در جروزالم‌پست به عنوان قدیمی‌ترین و بزرگترین روزنامه انگلیسی زبان لبرنگلی و پرخواننده‌ترین وبسایت خبری انگلیسی در اسرائیل و جهان یهود آن را تیتر گزارش خود قرار داد.

و پیش از این، کتاب «پس از داعش؛ آمریکا، ایران و مبارزه برای خاورمیانه» را در ۲۰۱۹ نوشته بود که مورد توجه جهان قرار گرفت اما در این یادداشت جمعه قابل توجهی پس از آمریکازدایی نوشته می‌شود؛ آغاز آمریکازدایی در برابر فرهنگ آمریکایی شدن جهان را می‌توان از ایران مشاهده کرد. عبارتی که می‌تواند در تاریخ آمریکازدایی ثبت شود: «همه نگاه‌ها به حرکت‌های بعدی ایران معطوف خواهد بود».

غرچه محصولات خانگی و مشاغل خرد

بازارچه فردوسی
ویژه بانوان محله
زمان: ۲۲ و ۲۳ آذرماه؛ ساعت ۹ الی ۱۷
مکان: سامانی، محله ترک‌آباد، خیابان فردوسی جنب پارک لاله، فرهنگسرای فردوسی

رسانه چه خبر

میزان عوارض در عمل‌های لیزری کاهش می‌یابد

مهر: یک فوق تخصص جراحی‌های کم تهاجمی دستگاه اداری گفت: انجام عمل‌های کم تهاجمی با لیزری میزان عوارض بعد از عمل‌های جراحی را که در روش‌های جراحی باز دیده می‌شوند، کاهش داده است.

علیرضا لاشئی؛ دبیر علمی چهاردهمین کنگره انجمن اندوبیورولوژی و یورولاپاراسکوپی ایران، افزود: مردم بیشتر این جراحی‌ها را به نام لیزری می‌شناسند. دروقع این جراحی‌های لیزری در مقابل جراحی‌های قدیمی به وجود آمده‌اند: زیرا روش‌های قدیمی با وجود آنکه نتیجه خوبی هم به همراه داشت اما قادرنا برخی از آنها عوارضی داشت که تا مدت‌ها بیمار را اذیت می‌کرد. به طور مثال برای یک جراحی کلیه پهلوی بیمار شکافته می‌شد و این باعث می‌شد تا مدتها درد داشته باشد. گاهی دچار برجستگی و فتق ناحیه عمل می‌شد و با وجود آنکه اصل مشکل بیمار برطرف می‌شد اما عوارض جانبی او را اذیت می‌کرد. وی ادامه داد: گاهی برای برداشتن سنگ‌هایی که در کلیه ایجاد می‌شد پزشک مجبور می‌شد که قسمتی از پهلوی بیمار را بشکافد و کلیه از وسط به دو نیم می‌شد و دوباره بخیه می‌خورد تا یک سنگ ۲ یا ۳ سانتی متری از کلیه بیمار خارج شود. در واقع با این روش کلیه‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد از پتانسیل خود را از دست می‌داد. این فوق تخصص جراحی‌های کم تهاجمی با اشاره به اینکه از حدود ۲۰ سال پیش در همه رشته‌ها بحث ورود به تکنولوژی‌های روز برای کاهش میزان آسیب به بیمار مطرح شد، افزود: در این رشته هم تکنولوژی‌ها به روز شد و تلاش شد با این عمل‌ها میزان آسیب به بیمار کاهش پیدا کند به همین دلیل به سرعت جراحی‌های کم تهاجمی جای خود را باز کرد و بسیاری از عمل‌های جراحی با عوارض و درد کمتر برای بیماران انجام شد. وی با اشاره به اینکه عمل‌های لیزی و یا کم تهاجمی به کمک آندوسکوپ‌ها انجام می‌شوند، خاطرنشان کرد: در این نوع جراحی‌ها گاهی یک سنگ بزرگ ۵ یا ۶ سانتی متری کلیه با کمک لنعه ایکس و ابزارهای پیشرفته جدید و صرفاً با ایجاد یک شکاف یک سانتی متری در پشت بیمار به طور کامل شکسته و از بدن خارج می‌شود و این سبب می‌شود که بیمار از دردهای پشت سر هم خلاص شود. لاشئی با اشاره به اینکه ایران یکی از پیشروترین کشورها در بحث پیوند کلیه است، افزود: اصولاً اهداکننده فرد سالمی است که به هر دلیلی کلیه خود را اهدا می‌کند و اصولاً با یک برش بزرگ کلیه از بدن او خارج می‌شد اما امروزه با عمل‌های لاپاراسکوپی تمام مراحل خروج کلیه از بدن اهداکننده انجام می‌شود و درنهایت با یک برش کوچک در زیر شکم که برش درنداکی هم نیست، بدون شکستن ندده و با ایجاد برش‌های بزرگ در بدن اهداکننده کلیه خارج و بیمار گیرنده کلیه پیوند زده می‌شود. وی با اشاره به اینکه عمل‌های کم تهاجمی دستگاه اداری در خصوص مشکلات مادرزادی نیز انجام می‌شود، گفت: این عمل‌های کم تهاجمی دردهای شدید بعد از عمل را کاهش داده و بازگشت بیمار به محل کار و تحصیل را تسریع می‌نماید و از هدر رفت منابع کشور به واسطه دورهای نقاهت و دوری از کار طولانی می‌کاهد. دبیر علمی چهاردهمین کنگره انجمن اندوبیورولوژی و یورولاپاراسکوپی ایران، به جراحی‌های رباتیک هم اشاره کرده و افزود: در جراحی‌های روباتیک پزشک پشت کنسول خود قرار دارد و با هدایت روبات از راه دور اقدام به جراحی می‌نماید اما این روش هنوز وارد ایران نشده است هرچند که در دانشگاه‌های صنعتی کشور تلاش برای رسیدن به این فناوری روز دنیا در حال انجام است.

زوال شناختی زودتر در افراد مبتلا به صرع رخ می‌دهد

مدیسون نت: یک مطالعه جدید نشان می‌دهد که افراد مبتلا به صرع نسبت به افراد بدون اختلال مغزی زودتر دچار زوال فکری می‌شوند، به‌ویژه اگر این افراد دارای عوامل خطری مانند فشار خون بالا یا دیابت نیز باشند. در طول مطالعه ۱۴ ساله، افراد مبتلا به صرع ۶۵ تا ۷۰ درصد کاهش سریع‌تری در مهارت‌های حافظه و تفکر داشتند. علاوه بر این، داشتن عوامل خطر برای بیماری قلبی این میزان را ۲۰.۱ درصد افزایش داد. دکتر «لیفره زوار»، استادیار علوم اعصاب از دانشگاه ورجینیا و محقق ارشد این مطالعه، گفت: «در حالی که صرع خود با اختلالات شناختی خفیف و زوال عقل مرتبط است، این خطر به طور قابل توجهی در افرادی که فشار خون بالا، دیابت یا سایر عوامل خطر قلبی عروقی دارند، تشدید می‌شود». در این مطالعه بیش از ۱۳۷۰۰ نفر که در ابتدای مطالعه مغزشان سالم بود، ردیابی شدند. به گفته محققان، شرکت کنندگان در ۳۹ مرکز بیماری آلزایمر در سراسر ایالات متحده بین سپتامبر ۲۰۰۵ تا دسامبر ۲۰۲۱ زیر نظر گرفته شدند. به گفته محققان، کمتر از ۱ درصد مبتلا به صرع بودند. میزان تغییر از اختلال شناختی خفیف به زوال عقل در بیماران با یا بدون صرع یکسان بود. محققان حدس می‌زنند که احتمالاً به این دلیل است که عوامل خطر قلبی بسیار بیشتری نسبت به صرع در مراحل بعدی زوال عقل بازی می‌کنند. زوار در ادامه افزود: «اشتباهی سریع صرع و درمان تهاجمی آن برای کمک به کاهش یا جلوگیری از این زوال در افراد مسن که از نظر شناختی سالم هستند، مهم است. علاوه بر این، غربالگری زودهنگام و مداخلات هدفمند برای عوامل خطر قلبی عروقی قبل اصلاح نیز ممکن است به تأخیر در شروع زوال عقل کمک کند».